

مناسبات اقتصادی ایران و آلمان

از دوره صفویه تا پایان جنگ جهانی اول

ابوالفضل شاهسون پور^۱

چکیده:

در این مقاله قصد داریم شمه ای از روابط اقتصادی ایران و آلمان را از دوره صفویه تا پایان جنگ جهانی اول مرور و بررسی کنیم. روابط ایران و آلمان به صورت مستند تاریخ پانصد ساله دارد. لیکن به صورت غیر رسمی سابقه این مناسبات به دوران باستان بر می‌گردد. به طور کلی هدف سیاسی اروپا در تعامل با ایران در عهد صفوی به منظور رویارویی با امپراطوری عثمانی به عنوان دشمن مشترک بود که این امر در لفافه تجارت و بازرگانی صورت می‌پذیرفت. آلمانها تا حدی از اندیشه فوق مبرا بودند بیشترین هدف آنها تجارت و بازرگانی با شرق به ویژه خرید ابریشم از ایران بود و تا اندازه ای هم هدف آنها ماجراجویی و در راستای شناخت و فرهنگ شرقی صورت می‌پذیرفت. پس از دوره صفویه به دلیل وضع نامساعد ایران و تحولات اروپا بار دیگر روابط فی ما بین در دوره قاجاریه به ویژه عصر ناصری از سر گرفته شد که ایران خواستار استفاده از قدرت سیاسی - اقتصادی آلمان به عنوان نیروی ثالث در برابر روس و انگلیس بود که به علت سیاست عدم مداخله بیسمارک موفق به این کار نشد و تنها پس از انقلاب مشروطه و ایجاد فضای باز سیاسی در ایران و سیاست روی آوردن به شرق ویلهلم دوم از اواخر قرن نوزدهم این امر میسر گشت. جنگ جهانی نخست فرصتی بود که ایران باز با روی آوردن به نیروی ثالثی چون آلمان می‌توانست از دلمشغولی اروپاییان استفاده کرده و خود را از یوغ روس و انگلیس آزاد کند، و باز بنا به دلایلی این بار نیز موفق نشد.

واژگان کلیدی: مناسبات اقتصادی، صفویه، جنگ جهانی اول، نیروی ثالث، ایران، آلمان.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه تبریز abi136513@gmail.com

سابقه مناسبات ایران و آلمان به دوران باستان بر می‌گردد و امپراطوری رم دشمن مشترک هر دو قوم ژرمن‌ها و ایران عصر اشکانی و ساسانی به شمار می‌رفت. پس از حمله اعراب به ایران در قرن هفتم میلادی و به دنبال آن شکل‌گیری امپراطوری هابسبورگ‌ها در قرن نهم میلادی برای چندین قرن روابط غیر مستند این دو تمدن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد تا اینکه با روی کار آمدن صفویه و بازیابی هویت ملی و حاکمیت سیاسی به مثابه ایران دوره ساسانی، روابط با امپراطوری هابسبورگ‌ها که اصالت ژرمنی داشتند، تداوم یافت. در این دوره بنا به اقتضای کشف قاره آمریکا و آغاز جهانشمولی و گسترش اندیشه اروپایی و به خصوص جهت رویارویی با امپراطوری عثمانی، اروپاییان خاصه آلمان فضای باز ایران عصر صفوی را غنیمت شمرده و در لفافه امور بازرگانی و تجاری با ایران علیه عثمانی متحد شدند به ویژه که مذهب ایران و عثمانی نمایانگر آغاز اختلاف به شمار می‌آمد. پس از دوره مزبور با رکود روابط تجاری طرفین مواجه می‌شویم تا اینکه در ایران سلسله قاجاریه روی کار آمد و در آلمان پس از سقوط امپراطوری هابسبورگ‌ها که نه قرن به طول انجامیده بود، رایش دوم به صدارت اعظمی بیسمارک روی کار آمد و با ایران عهد ناصری روابط از سر گرفته شد. ناصرالدین شاه به دلیل رویارویی با زیاده‌خواهی‌های روس و انگلیس به ایجاد روابط با آلمان اصرار می‌ورزید اما سیاست بیسمارک به دلیل حفظ روابط حسنه با روسیه و به منظور در انزوا نگه داشتن فرانسه که آلتزاس و لرن را از دست داده بود، به ویژه در عرصه تجاری سیاست عدم مداخله در ایران بود تا اینکه نظام بیسمارکی پوسید و ویلهلم دوم از دهه آخر قرن نوزدهم تا سقوطش در جنگ جهانی اول روی کار آمد و سیاست مداخله در شرق را در پیش رو گرفت چرا که آلمان نیاز به مواد خام داشت و نمی‌توانست از نیازها و منافع اقتصادی خود در شرق چشم‌پوشد. بنابراین با تضاد منافع دولتهای روس و انگلیس از لحاظ اقتصادی-سیاسی و با فرانسه از لحاظ سیاسی-فرهنگی مواجه شده و این امر منجر به جنگ جهانی نخست گردید و سیاست روی آوردن به نیروی سوم باز از سوی ایران ناکام ماند. حال شمه‌ای از روابط اقتصادی ایران و آلمان را با این پیش فرض



که این روابط بسته به شرایط بین المللی و اوضاع سیاسی داخلی طرفین مرتباً در نوسان بوده در شش زمینه ذیل پی می گیریم:

۱. نسبت صادرات و واردات و نوع اقلام تجاری

تشکیل دولت ایدئولوژیک صفویه در ایران معادله بازرگانی پیشین مبنی بر این که بورسا به صورت بازار بین المللی ابریشم خام و ایران عمده ترین منبع تولید ابریشم در خاورمیانه به شمار می رفت را به شدت برهم زد. رمز سیاست شاه عباس در حوزه های اقتصادی و سیاسی، ایجاد انحصار بر صادرات پرارزش ابریشم خام در ۱۶۱۹م/۹۹۸ش و تلاش در پیدا کردن راه جدید آبی از طریق روسیه یا خلیج فارس برای جایگزین کردن راه خشکی قدیمی عثمانی بود. شاه عباس درآمد یک سوم ابریشم خام تولید شده در ایران را به عنوان سهم شاهانه برمی داشت و بقیه آن را به قیمت ثابت میان تولیدکنندگان تقسیم می کرد، (فوران، ۱۳۸۰: ۶۷). برخی هدف اصلی از فرستادن هیأت هلشتاین را برقراری روابط بازرگانی با ایران عصر شاه صفی می دانند و معتقدند که فردیناند سوم که شاهد موفقیت های برخی از کشورهای اروپایی - به خصوص هلند و فرانسه - در امر تجارت با ایران بود، تصمیم گرفت هیأتی را به ایران بفرستد و امید آن داشت که از واردات کالاهایی از خاورمیانه که تصور می رفت از راه زمینی به اروپا برسد، منافی کسب کند. (یارشاطر، ۱۳۸۴: ۲۰) علی رغم کوشش های بسیار در نهایت این هیئت تجاری به سه دلیل در کار خویش توفیق نیافت: نخست به دلیل مخالفت شدید هلندی ها که در ایران با آنان تضاد منافع داشتند. در ثانی نداشتن سرمایه کافی دوک هلشتاین برای تأمین چنین طرحی در برابر دشمنان توانا و توانگری چون هلند و انگلیس در ایران و در خاتمه مشکل اخلاقی و زورگویی بروگمان بود که در نهایت پس از بازگشت به وطن خود به اعدام وی منجر گردید. (نوائی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۳۱۶-۳۱۵). در نظام اقتصاد جهانی والرشتاینی^۱ ایران سده هفدهم (۹۷۹ تا ۱۰۷۹ش) «به عنوان

۱. پیش فرض اصلی دیدگاه نظام جهانی این است که جهان جدید از یک اقتصاد جهانی سرمایه داری تشکیل شده و دولت های ملی بخش هایی از یک کل هستند و برای فهم تعارض های طبقاتی داخلی و نزاع های سیاسی خاص دولت، باید اقتصاد جهانی شناخته شود. این نظریه در اوایل دهه ۱۹۷۰م توسط امانوئل والرشتاین استاد ممتاز جامعه شناسی در دانشگاه دولتی نیویورک با هدف تبیین خاستگاه های سرمایه داری، انقلاب صنعتی و ارتباط

امپراطوری جهانی در عرصه خارجی» طبقه بندی می‌گردد. قدر مسلم آن است که الگوی تجارت و بازرگانی عصر صفویه با خصوصیات امپراتوری‌های جهانی من جمله باز توزیع شکل اقتصاد که مجموعه‌ای از بازرگانان در این گونه نظام‌ها رشد کردند و سپس وارد مبادلات اقتصادی می‌شدند، هم‌خوانی دارد. اگرچه روابط دیپلماسی آلمان و ایران به گذشته‌های دور برمی‌گردد، اما در حقیقت این روابط از قرن نوزدهم میلادی به بعد رشد و شکل دیگری گرفت. (میراحمدی، ۱۳۶۳: ۱۷). در سده نوزدهم (۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ ش) واردات ایران از روسیه گسترش عظیمی یافت. پس از رکود چند دهه‌ای این مناسبات طی دهه ۱۷۷۰ م/ ۱۱۵۰ ش موضع تجاری روسیه در ایران به تدریج قوی‌تر گشت. (فوران، ۱۳۸۰: ۱۴۳). ایل قاجار در مناطق پرجمعیت شمال ایران به روسیه شریک تجاری رو به رشد ایران نزدیک بود و به گفته فوران در نهایت به این علت موفق شد منابع انسانی و اقتصادی بزرگی را بسیج کند در حالی که زندیه در مناطق کم جمعیت جنوب ایران با آن همه دسته بندی‌های قبیله‌ای، پیوند چندانی با اقتصاد جهانی نداشت، علت آن نیز عدم مدارای کریم خان با کمپانی هند شرقی انگلیس و اخراج آن از ایران و نیز کاهش تجارت در خلیج فارس بود، برآیند این مزایا ماشین نظامی کارآمدتر قاجار بود که در مقاطعی حساس فرصتی را پدید آورد تا بر روند حوادث، تأثیر تعیین کننده‌ای بگذارد. (همان، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

ایران در نیمه اول قرن نوزدهم به تدریج استقلال خود را از دست داده و به کشوری دست نشانده روس و انگلیس بدل شده بود. تا اوایل قرن نوزدهم ایران از استقلال گمرکی برخوردار بود. تا پیش از پایان نخستین جنگ‌های ایران و روس در سالهای ۱۳-۱۸۰۳ م/ ۱۱۸۳-۹۳ ش کشور ایران از لحاظ تجاری دارای استقلال تجاری بود و بیگانگان در تعیین درآمد گمرکی مداخله نداشتند. عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای این اوضاع را به کلی تغییر داد. به گفته جمال زاده: «تجارت آلمان با ایران روز به روز در حال ترقی بوده چنانچه در عرض ده سال مانده به شروع جنگ جهانی نخست تقریباً ۸

برابر شده است و نیز اعتقاد دارد با وجود کمبود وسایل حمل و نقل میان دو کشور این اندازه پیشرفت نموده است و در صورت ایجاد راه‌های جدید آسانتر و ارزانتر پایه تجارت این دو رشد شایانی در آینده خواهد نمود.» (جمال زاده، ۱۳۷۶: ۱۳).

همچنین می‌افزاید: «در سال ۱۲۸۰-۱۲۷۹ش/۱۹۰۲-۱۹۰۱م صادرات ایران تقریباً نصف واردات بوده ولی کم‌کم بر مقدار خود افزوده تا اینکه در سال ۱۲۸۷-۱۲۸۶ش/۱۹۰۸-۱۹۰۹م فزونی واردات بر صادرات تنها یک و نیم عشر است و با حذف حقوق راهداری در ۱۲۸۱ش/۱۹۰۳م صادرات روز به روز ترقی یافته است. طی ده سال ۱۲۸۹-۱۲۷۹ش/۱۹۱۱-۱۹۰۱م مال‌التجاره‌ای که از بلژیک به ایران می‌آمده ۸ برابر و از آلمان ۶/۵ برابر شده است.» (همان منبع، ۱۵). از دوره ناصرالدین شاه تا آستانه جنگ جهانی اول یعنی نزدیک به هفتاد سال، تبعات قرارداد ترکمانچای و ضمیمه تجاری آن با روسیه را شاهد هستیم و این کشور ضمن تأسیس کارخانجات پنبه پاک کنی^۱ و ایجاد تحولات بنیادی در تجارت این محصول و نیز فراهم کردن تسهیلات برای بازرگانان روس از استثمار کارگران ایرانی دریغ نورزید. در نتیجه افزایش مشارکت ایران در بازار سرمایه‌داری جهانی در آغاز قرن بیستم، به تعداد نمایندگان تجار بزرگ ایرانی در پایتخت‌های مختلف دنیا به صورت قابل ملاحظه‌ای افزوده شد، در این دوره به تخصصی شدن بازرگانان تأکید می‌شد. (عبدالله اف، ۱۳۵۶: ۲۰). واردات ایران در این دوره به ترتیب اهمیت عبارت بوده از: پارچه‌های نخی، کله قند، شمش نقره، چای، آرد، نخ‌های پنبه‌ای، پارچه‌های پشمی، نفت، اسباب خرازی، پوست خام، کبریت، تخم کرم ابریشم، رنگ آبی و قرمز، ادویه، لباس، اشیاء چینی و لعابی، دارو، شیشه و آیینه‌جات، رنگ، اسلحه، شمع، کفش و گالش، کاغذ و رشته‌های طلا و نقره. و اما صادرات ایران: پنبه خام، میوه، فرش‌های پشمی، برنج، تریاک، غلات، پنبه کرم ابریشم، پوست خام، پشم خام، حیوانات زنده، ماهی، سنگ‌های گرانبها، سبزیجات، تنباکوی ساخته شده، تخم‌مرغ، حنا و ابریشم خام. اقلام کالاهای تجاری فرانسه طبق گفته «سوگون» Sogun

۱. به عنوان مثال طی سالهای ۱۳۱۷-۱۳۲۴/۱۸۹۹-۱۹۰۶م بازرگانان سرشناس روس نظیر ادم اسر و رازن بلوم یهودی اقدام به ساخت کارخانه ای پنبه پاک کنی در مناطق گوناگون مانند بارفروش (آمل) در مازندران و یا نیشابور در خراسان دست زدند.

نماینده کشور فرانسه در ایران در سال ۱۹۱۲م به قرار ذیل می‌باشد: «قند کله‌ای، شکر، البسه، مس، نخ، و پارچه‌های پنبه‌ای، نخ و پارچه‌های پشمی، پارچه‌های ابریشمی، اجناس خرازی، ظروف و ادوات فلزی، اشیاء و اجناس ساخت پاریس، شراب و انواع نوشیدنی‌ها، کنسرو، مواد خوراکی، دارو و اتومبیل» (دهقان، ۱۳۷۰: ۸۷) در مقابل به استثنای تعدادی فرش و برخی آثار کمیاب عتیقه، فرانسه جهت استفاده صنایع ابریشم‌بافی خود در شهر لیون، منحصراً از ایران پنبه ابریشم وارد می‌نماید. سوگون ضمن مقایسه ارقام تجارت کشورش با برخی کشورهای کوچکتر اروپائی در می‌یابد که فعلاً فرانسه به عنوان یکی از واردکنندگان اصل کالا به ایران، مقام خود را به آلمان واگذار نموده و دور نیست که در آینده، دیگر کشورهای اروپائی نیز کشورش را پشت سر گذارند. تا سال ۱۹۱۰م در میان واردکنندگان کالا به ایران فرانسه، مقام چهارم را داشت یعنی بلافاصله به دنبال کشورهای همجوار ایران که بهر حال، امکان، هیچ‌گونه رقابتی با آنها وجود نداشت. از سال ۱۹۱۱م یعنی سه سال مانده به جنگ اول، تجارت آلمان با ایران، فرانسه را به رتبه پنجم عقب رانده است و از آنجا که بازرگانان کشور مزبور هیچ‌گونه کوششی جدی از خود نشان نمی‌دهند، دیری نخواهد پایید که شاهد باشیم بازرگانی اتریش و حتی بلژیک هم در ایران، از فرانسه پیشی گیرند. (همان، ۱۳۷۰: ۸۹-۹۰).

جدول ۱-۲ به خوبی نشان می‌دهد که در آستانه جنگ جهانی اول هیچ کشوری سلطه بلامنازع روسیه در ایران و پس از آن، موقعیت مستحکم بریتانیا در تجارت خارجی ایران را تهدید نمی‌کرده است. امپراطوری عثمانی مقام سوم را دارا بود ولی سهم این کشور در تجارت خارجی ایران به یک چهارم بریتانیا هم نمی‌رسید. آلمان واردات بیشتری داشت اما صادراتش به ایران از عثمانی هم کمتر بود. آلمان به ویژه در خرید فرش ایران فعال بود.



جدول ۱-۲ تجارت ایران با کشورها به هزار روبل ۱۲۹۳-۱۲۹۲ش/۱۹۱۴-۱۹۱۳م

کشور	واردات ایران	درصد	صادرات ایران	درصد
روسیه	۶۴۰۰۰	۵۵/۵۳	۵۴۳۷۱	۷۱/۵۷
بریتانیا و هند	۳۲۰۳۲	۲۷/۷۶	۱۰۲۸۰	۱۳/۵۳
عثمانی	۴۰۲۱	۳/۴۹	۶۶۳۷	۸/۷۴
آلمان	۵۴۶۸	۴/۷۴	۵۳۱	۰/۶۹
فرانسه	۳۵۳۳	۳/۰۶	۸۲۶	۱/۰۹
ایتالیا	۱۰۰۸	۰/۸۷	۲۶۱۴	۳/۴۴
بلژیک	۲۷۴۰	۲/۳۸	۴۱	۰/۰۵
اتریش - مجارستان	۱۶۰۶	۱/۳۹	۱۳۰	۰/۱۷
افغانستان	۸۹۹	۰/۷۸	۵۳۴	۰/۷

منبع: فوران: «مقاومت شکننده» ص ۱۷۹

۲. کشتی رانی

فعالیت آلمانی‌ها در زمینه حمل و نقل و وسایل ارتباطی همزمان و در راستای افزایش نفوذ اقتصادی-سیاسی آنان در ایران بود و شامل وسایل ارتباط دریایی-هوایی و زمینی می‌گردید. تاریخچه دریانوردی و کشتی‌رانی آلمان و ایران از سال‌های دور یعنی از ۱۸۷۳م/۱۲۵۱ش آغاز می‌شد و به دنبال گسترش روابط در زمان ناصرالدین شاه به سال ۱۸۸۵م دو فروند کشتی به نام‌های «پرسپولیس» و «شوش» به ظرفیت ۶۰۰ و ۲۰۰ تن از آلمانی‌ها خریداری شد لیکن تا قبل از ۱۲۸۵ش/۱۹۰۶م در خلیج فارس کشتی آلمانی نبود و عمده حمل و نقل کالا با کشتی‌های انگلیسی صورت می‌گرفت. در سال ۱۲۸۵ش/۱۹۰۶م شرکت کشتی‌رانی آلمان یکی از رقبای تجارت انگلیس در خلیج فارس به شمار می‌رفت. در دوران سلطنت مظفرالدین شاه یعنی در اواخر قرن نوزدهم،

امپراطوری آلمان که متوجه اهمیت خاورمیانه شده بود درصدد یافتن راهی به این منطقه و استقرار پایگاهی در خلیج فارس برآمد. در این راستا یک شرکت تجارتی آلمان به نام «ونکهاوس» (Wonckhause) نمایندگی خود را در بندر لنگه تاسیس و معاملات صدف و مروارید را آغاز نمود. (ارشادی، ۱۳۷۶، ج ۱: مقدمه ۳۶).

اما پس از انقلاب مشروطه به قول جمال زاده: «کشتی‌های دولت آلمان در خلیج فارس به راه افتاده و در همان سال اول بارگیری تعداد آنها تقریباً به اندازه مجموع تمام کشتی‌های ملل دیگر (عثمانی، روس، عرب و فرانسه) به استثنای انگلیس بود». (جمال زاده، ۱۳۷۶: ۶۳). پیش از جنگ جهانی اول، کشتی‌های خطوط کشتی‌رانی «هامبورگ-آمریکا» (موسسه هامبورگ-خلیج فارس^۱) مرتباً بین بنادر عباس، لنگه، بوشهر، محمره^۲ و هامبورگ در رفت و آمد بودند و شرکت «ونکهاوس» در سال ۱۸۹۸ مسئولیت شرکت هامبورگ-خلیج فارس^۱ و صید صدف و مروارید را در آبهای جنوبی ایران به عهده داشت.

در اینجا لازم است مختصراً به موضوع مهم نفت بپردازیم چرا که این کالای سرنوشت ساز ایران موجب پیروزی متفقین به ویژه بریتانیا در جنگ نخست گردید.^۲ در سال ۱۲۸۰ش / ۱۹۰۱م توسط مظفرالدین شاه امتیازی به ویلیام ناکس دارسی^۳ داده شد و نخستین خریدار انحصاری نفت ایران «شرکت نفت ایران و انگلیس» بود که بر اساس قرارداد دارسی در سال ۱۲۸۸ش با دو میلیون لیره سرمایه در لندن آغاز به کار کرد. به این ترتیب، صدور نفت از ایران از سال ۱۲۹۲ش آغاز شد. برای تأمین نیاز انگلستان و سایر کشورهای صنعتی، ظرفیت ۱۲۰ هزار تنی پالایشگاه آبادان در فاصله کوتاهی به یک میلیون تن رسید و استخراج و صدور نفت به سرعت افزایش یافت به طوری که استخراج نفت در سال ۱۲۹۱ش / ۱۹۱۲م در ازای ۴۳/۷۷۵ متر به یک تن رسید. در سال ۱۲۹۳ش / ۱۹۱۴م دولت انگلستان به لحاظ اهمیت روزافزون نفت برای تأمین

۱. خرمشهر کنونی

۲. چرچیل جمع تخفیف‌هایی را که به خرید نفت از طرف نیروی دریایی انگلستان در طول مدت جنگ جهانی اول تعلق می‌گرفت ۷۵۰۰۰۰۰ لیره برآورد کرده که ۱۶٪ آن ۱۲۰۰۰۰۰ لیره می‌شود. حال آنکه شرکت از بابت کلیه مطالبات خود تا پایان مارس ۱۹۱۹ فقط یک میلیون لیره به دولت ایران پرداخت کرده بود.



ساخت نیروی دریایی خود، ۵۶٪ سهام شرکت را خرید و دو نفر نماینده را با حق وتو در قبال تصمیمات مربوط به سیاست مالی شرکت، به سمت اعضای هیئت مدیره آن منصوب کرد و به این ترتیب کنترل کامل شرکت را به دست آورد و در حقیقت امتیاز دارسی به دولت انگلستان منتقل شد. ضمناً انگلستان قراردادی برای تحویل سوخت به قیمت بسیار نازل و به مدت طولانی به نیروی دریایی خود با شرکت منعقد کرد. به طوری که نه تنها نیاز جنگی خود را (از طریق پالایشگاه نفت آبادان) به حد کافی برطرف ساخت، بلکه از رهگذر نفت ارزان، ۵/۷ میلیون لیره نیز سود برد. (میر جلیلی، ۱۳۷۲: ۸۸-۸۹). در جنگ جهانی نخست آلمان بهترین فنون دنیا را در خشکی دارا بود ولی در دریاها حریف انگلیس نبود و با وجود اینکه رزم ناوهای آلمان تلفات زیادی به کشتی‌های تجارتی متفقین از جمله انگلیس وارد ساخت ولی نتوانست خط محاصره دریایی را که روز به روز محکم‌تر و تنگ‌تر می‌شد به نحو مؤثری بشکافد و اثرات آن را خنثی نماید لذا دولت آلمان چنین صلاح دید که از راه ترکیه و بین‌النهرین و ایران به منابع نفت جنوب ایران دست یافته کشتی‌های انگلیس را که حرکت تهاجمی‌اش به نفت مزبور بسته بود از کار بیندازد و با ایجاد اغتشاش در افغانستان و هندوستان و از بین بردن نفوذ انگلیس این دولت را به دردسر و مخاطره انداخته و امپراتوری‌اش را متلاشی سازد. (ورهام، ۱۳۸۵: ۴۱۸).

۳. کارخانجات

امیر کبیر به احداث کارخانه ماهوت بافی نظر خاصی داشت و در این باب طی مراسله‌ای به مسیو جان داود خان ارمنی که از طرف امیر مأمور استخدام معلم از اتریش یا پروس بود دستور می‌دهد که دو نفر استاد فن ماهوت بافی به منظور آموختن ماهوت سازی در ایران که مصرف زیاد دارد، استخدام کند. (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۵۵).

بنا به نوشته مجله کاوه: «در آلمان از خاک چینی اعلا گرفته تا خاک سفال و آجر انواع خاک زیاد و فراوان است. در ایالت براندنبورگ (Brandenburg) چندین کارخانه آجرسازی موجود است. در سال ۱۲۷۵ش/ ۱۸۹۷م در ممالک آلمان ۱۵۶۶۳ کارخانه آجرسازی موجود بوده است که ۲۱۹۸۶۰ نفر عمه در آن کارخانجات کار می‌کرده‌اند. در



سال مزبور در آلمان ۱۹۰ باب کارخانه چینی‌سازی موجود بوده است. قدیم‌ترین کارخانه چینی‌سازی در اروپا کارخانه‌ایست که در شهر مایسن (Meisen) که در ایالت ساکس واقع شده در سال ۱۷۱۰م/ ۱۰۸۸ش بنا شده است.... معتبرترین کارخانجات بلورسازی آلمان در تورینگن و در والدنبورگ (Waldenburg) است. کارخانجات بلورسازی آلمان نیز معروف آفاق است. در سال ۱۸۹۵م/ ۱۲۷۳ش در ممالک آلمان ۳۷۱ کارخانه بلورسازی موجود بوده است که تخمیناً ۱۴۰۰ عمده در آن کارخانه‌ها کار میکرده است. اکثر کارخانه‌های بلورسازی آلمان در شلزلین و در براندنبورگ و در ساکس و در تورینگن است. در سال ۱۳۱۵ در ممالک آلمان ۵۲۵۰۰۰ تن (تقریباً ۱۷۵۰۰۰۰ خروار) بلور ساخته شده است که ۱۱۵ میلیون مارک ارزش داشته است. در برلن در مایسن و در بامبرگ (Bamberg) چینیهای رنگارنگ بسیار ظریف درست میکنند. در سال ۱۳۱۶ در آلمان ۷۸۸۷۸ تن (تقریباً ۲۶۳۰۰۰ خروار) چینی ساخته شده است که بالغ بر ۵۲ میلیون مارک ارزش داشته است». (مجله کاوه، ۱۲۸۹: ۵-۶).

در اواخر دوره قاجار شاهد معاملات اسلحه و تجهیزات نظامی بین آلمان و ایران هستیم به طوری که در دوره ریاست مورگان شوستر خزانه‌داری کل ایران برای تقویت ژاندارمری تنها در یک مورد سفارش ۵۰۰۰ قبضه تفنگ به کشور آلمان می‌دهد. نیز در سال ۱۲۹۷ش/ ۱۹۱۸م در یک مورد معامله‌ای با یک کارخانه اسلحه‌سازی در برلین موسوم به «دو پیچ وائن اوند مونیسین» (De Pitsch Van on und Monisin) صورت گرفته که حجم آن بالغ بر ۴۸۹۳۵ مارک بوده است. (دلفانی، ۱۳۷۸: ۸۴). پیش از جنگ جهانی نخست دو تبعه آلمانی به نامهای اگوست ورت (August Werth) در دو بخش مهمات سازی و ماکس هس (Max Haasc) درواحد مسلسل به عنوان مستشار ارتش ایران اصلاحاتی به عمل آوردند. در سالهای ۱۴-۱۹۱۳م ایران مقداری مهمات و ادوات جنگی از آلمان خریداری کرد اما به واسطه جنگ و مسدود شدن راه ارسال آن از طریق روسیه به ایران نرسید و تنها پس از یک دهه در سال ۱۹۲۳م ایران با توافق روسیه آن را وارد کرد.



در سال ۱۲۸۶ ش/ ۱۹۰۸ م اولین کارخانه چرم سازی در تبریز توسط یکی از اتباع آلمانی تأسیس شد و پس از چندی کارخانه کبریت سازی نیز در این شهر توسط آلمانی‌ها افتتاح گردید. (ارشادی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۹۲-۳۹۱). بنا به نوشته جمال‌زاده، در اواخر جنگ جهانی اول «کارخانه به آن معنایی که در اروپا فهمیده می‌شود، جز دو سه کارخانه الکتریک در تهران و رشت و تبریز و مشهد و یک کارخانه گاز در تهران کارخانه‌ای نیست و حتی هنوز هم در استفاده از قوه آب هم کوششی به عمل نیامده است کارخانه چراغ برق در تهران که متعلق به حاج حسین آقای امین‌الضرب می‌باشد که تا اواخر جنگ همچنان کار می‌کند و مغازه‌ها و خیابانهای مهم تهران را روشنی می‌دهد».

(جمال‌زاده، ۱۳۷۶: ۷۷ و ۹۵).

۴. راه آهن و تلگراف

قرن نوزدهم در ایران را باید قرن قراردادهای و اعطای امتیازات، به خصوص در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه دانست و توجه دولت آلمان برای گرفتن امتیازی از ایران در این دوره به دور از نظر نیست. علت دیگر توجه دولت آلمان، نفوذ و دستیابی به افغانستان و هند و تجهیز آنها در نتیجه جلوگیری از نفوذ انگلستان و روسیه به آن نواحی بود که از نظر حمل و نقل و ارتباط دارای اهمیت بود. (ورهرام، ۱۳۸۵: ۳۸۳).

رمز موفقیت آلمان در ایران، رقابت کشورهای روس و انگلیس در آنجا و عدم اعتماد مردم و مجلس از اواخر قرن نوزدهم به این دو و در پیش گرفتن سیاست دخالت دادن کشور ثالثی در ارتباط با حل مسئله بود که به نتیجه موثری منتج نشد. در سال ۱۲۵۲ ش/ ۱۸۷۴ م یکی از افسران مهندس عالی رتبه روس موسوم به «بارون فون فالکنهاگن» (Baron von Falkenhagen) که گویا اصلاً آلمانی بود و در تجربه ساختن راه آهن گرجستان مداخله داشت برای گرفتن امتیاز خط آهن جلفا- تبریز به تهران آمد لیکن به علت درخواست امتیاز برای روسیه و نیز امتداد خط مزبور به بغداد جهت کاربرد علیه عثمانی در موقع مقرر این امتیاز به نتیجه نرسید. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۳۲۲).

امتیازاتی که در این برهه از سوی ایران به آلمانی‌ها واگذار شد عبارت بود از:

- ۱) امتیاز ساختن جاده تهران- خانقین در سال ۱۸۹۵م
- ۲) ساختن خط تراموا به شمیران در سال ۱۸۹۵م
- ۳) حق امتیاز ساختن راه آهن تهران- خانقین از اول ماه مه ۱۸۹۸م. لازم به ذکر است که تمامی این قراردادهای و حقوق انجام نپذیرفت، زیرا امکان تهیه سرمایه‌های لازم در آلمان عملی نبود.

گویا نخستین آزمایش تلگراف در ایران به وسیله ملکم خان برای جلب نظر ناصرالدین شاه به عمل آمد که مابین مدرسه دارالفنون و قصر گلستان ارتباط برقرار کرده بود. در سال ۱۸۶۷م/ ۱۲۴۵ش اداره زیمنس آلمانی و برادران (Simens Brothers) امتیاز خط تلگرافی را گرفت که از لندن و از راه آلمان و روسیه مستقیماً به تهران می‌رود و منحصر به مخابرات هند است ناصرالدین شاه طی فرمانی وزیر امور خارجه وقت ایران را مأمور کرد که با همین شرکت و هالسکه (Halske) قراردادی در مورد تمدید سیم تلگراف بین شیراز و بندرعباس را منعقد و مبادله نماید (جمال زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۲/ارشادی، ۱۳۷۶، ج ۱، مقدمه: ۳۶).

صنیع الدوله از اولین کسانی بود که در رساله‌ای موسوم به «راه نجات» که آن را در سال ۱۲۸۶ش/ ۱۹۰۷م تحریر کرد- نقشه‌ای از راه آهن و خطوط شوسه ایران روی نقشه جغرافیایی هانری کیپرت (چاپ برلین در سال ۱۸۸۳م) ترسیم کرد که بسیار با خطوط راه آهنی که بعدها احداث شد، مطابقت داشت. (ترسکینسکی، ۱۳۲۶: ۸-۷). و برای شروع کار راه آهن مالیات بر قند و چای را پیشنهاد و تقدیم مجلس کرد که پذیرفته نشد سپس پیشنهاد وضع مالیات بر نمک را مطرح نمود و این بار علی رغم تصویب مجلس پس از چندی در ۸ خرداد ۱۲۹۰/ ۵ مه ۱۹۱۱ لغو شد. (هدایت، ۱۳۴۴: ۳۷۴).

گسترش خط آهن برلین- بغداد به طرف شرق، توجه آلمانی‌ها را که بنیانگذار این خط آهن مهم بودند، به ایران جلب کرد و حتی پس از کنفرانس پتسدام (۱۹۱۱م)، آلمان اجازه ساختن خط آهن خانقین- تهران را به دست آورد.

در سال ۱۹۱۰م/ ۱۲۸۸ش به علت انقضای معاهده بیست ساله حق ساخت راه آهن ایران توسط روسها نماینده‌ای از سوی بانک مشهور آلمانی موسوم به دویچه بانک

(Deutsche Bank) مأموری به نام «سید روت» (Soyed Routh) به تهران آمد و امتیاز خط آهن خانقین و تهران را تحصیل نماید و این مسأله در نهایت با فشار دول روس و انگلیس عقیم ماند. بعد در هنگام عقد قرارداد پتسدام در ۱۲۹۰ش/۱۹۱۱م دولتین روس و آلمان متفق شدند که اگر تا چهار سال دیگر راه آهن‌های روس و خانقین متصل نشود دولت آلمان حق خواهد داشت که خط آهن استانبول- بغداد و خانقین را تا تهران ادامه دهد. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۳۳۳).

ایجاد تلگراف بی‌سیم در ایران با هدف رفع احتیاجات نظامی صورت پذیرفت و نخست آلمانها در سال ۱۲۹۴ش/ ۱۹۱۵م در اصفهان آن را راه اندازی نمودند و با شهر «نئون» آلمان ارتباط برقرار کردند. علاوه بر کریشش اتریشی و فوکنی ایتالیایی، معلمین دارالفنون که در راه اندازی تلگراف ایران دخالت داشتند، سیم تلگراف هند و اروپا را شرکت زیمنس در ایران دایر کرد. در آغاز احتیاج ایران به اروپاییان در اداره امور مربوط به تلگراف از لحاظ فنی و سپس از جنبه ترجمه متن تلگراف بود و در این میان سرهوتوم شیندلر آلمانی که مخبرالدوله وی را استخدام کرده بود از همه مشهورتر به نظر می‌رسید. (همان، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۲۹-۲۲۸).

۵. تأسیس بانک

در سال ۱۲۵۸ شمسی حاج محمد حسن امین‌الضرب، پیشنهاد تأسیس یک بانک ایرانی با شرکت دولت و مردم را با ناصرالدین شاه مطرح کرد و به دلیل عملی نشدن آن، بانک‌های بیگانه ابزار توسعه تسلط دو قدرت استعماری وقت یعنی انگلستان و روسیه بر ایران را فراهم کردند. انقلاب مشروطیت تنفر شدید مردم از حکومت قاجار و بیگانگان طرفدار آن را آشکار ساخت و در اولین سال پس از تشکیل مجلس شورای ملی هنگامی که فکر وام گرفتن از روس و انگلیس (دو قدرت استعماری مسلط) دوباره مطرح شد، عده کثیری از نمایندگان مجلس و عامه مردم مخصوصاً بانوان و مطبوعات ضمن اعتراض در مقابل اخذ وام از بیگانه، ایجاد بانک ملی را تنها راه حل مشکل مالی و اقتصادی ایران اعلام کردند و بر اثر آن یک بار دیگر مسئله بانک ملی در دوره اول مجلس شورای ملی

۲. بانک شرقی، آلمان، شرکت آنونیم.

شرکت «ویلهلم روور» (Wilhelm Roewer) در شیراز که صادرات اصلی آن «کتیرا» بود و در سال ۱۹۱۰م/ ۱۲۸۹ش با سرمایه ۵۰/۰۰۰ مارک تأسیس شد. دیگری «ربرت ونکه‌هاوس» (R. Woenkhaus) با شعباتی در بوشهر، بحرین، بغداد، موصل و بصره، محمره، اهواز و بندرعباس در سال ۱۸۹۸م/ ۱۲۷۶ش تأسیس شد. صادرات آن عبارت از مروارید، غلات و پوسته‌های صدف مخصوص بود.

۵) شرکتهایی بودند که فرآورده‌های اروپایی را به ایران وارد می‌کردند. از جمله آنها شرکت زیر را می‌توان نام برد:

شرکت بزرگ وارداتی آلمان به نام «انداج برمن» (F.Undutsh & Co. Bremen) که در سال ۱۹۱۳م/ ۱۲۹۲ش در تهران دارای شعبه بود و توسط سهام‌دار آن «ادوارد شلوتر» (E.Schluter) اداره می‌شد که با سرمایه‌ای در حدود ۳۱۵/۰۰۰ مارک مشغول به کار بود. (ورهرام، ۱۳۸۵: ۱۱۹-۱۱۸).

نتیجه‌گیری

روابط اقتصادی آلمان و ایران در دوره صفویه شکوفا بوده و سپس افول کرده تا اینکه در دوره ناصرالدین شاه باز گشایش یافته و دوباره پس از مدتی حالت رکود، بنا به سیاست خاص بیسمارک، در قرن بیستم به ویژه با ایجاد فضای باز پس از انقلاب مشروطه در ایران از نو رونق یافته است. دلیل این نوسان در روابط چیست جز این که عامل سومی بوده که این روابط را تحت تأثیر خود قرار می‌داده است. این عامل، وابستگی اقتصادی و طبعاً سیاسی ایران به روس و انگلیس از سویی و مشکل خاص آلمان و تعامل سازشکارانه با این دو قدرت جهت فعالیت در ایران از دیگر سو می‌باشد. به طور کلی سیاست روی آوردن به نیروی ثالثی چون آلمان که در عرصه اقتصادی نیز جریان و تأثیر گذار بود با سنگ اندازی دو قدرت روس و انگلیس به شکست انجامید و حتی جنگ جهانی نخست که فرصتی برای ایران بود تا خود را از یوغ روس و انگلیس آزاد سازد، به دلیل وابستگی بیش از حد ایران و عدم کفایت سرمداران یا به قولی رجال ایرانی میسر نشد، و این ناکامی‌ها کنشی بود که واکنش آن پس از جنگ جهانی نخست

با روی آوردن افراطی به آلمانها از سوی رضاشاه از سرگرفته شد و در نهایت به سقوط وی انجامید.

منابع

الف) منابع فارسی

- جمال زاده، محمد علی. (۱۳۷۶). گنج شایگان (اوضاع اقتصادی ایران). تهران. انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- ظهیر نژاد ارشادی، مینا. (۱۳۷۶). گزیده اسناد روابط ایران و آلمان. جلد ۱. تهران. انتشارات وزارت امور خارجه.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۹). تاریخ اقتصادی ایران. ترجمه یعقوب آژند. تهران. انتشارات نشر گستره..
- فوران، جان. (۱۳۸۰). مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران). ترجمه احمد تدین. تهران. انتشارات رسا.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۶). تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران. ج ۲. چ ۲. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- نوائی، عبدالحسین، (۱۳۶۶). ایران و جهان، ج ۱، تهران، موسسه نشر هما.
- ورهرام، غلامرضا. (۱۳۸۵). نظام سیاسی و سازمان های اجتماعی ایران در عصر قاجار. تهران. انتشارات معین.
- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی. (۱۳۴۴). خاطرات و خطرات. تهران. انتشارات زوار.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۸۴). تاریخ روابط ایران و آلمان (دانشنامه ایرانیکا، ۵). ترجمه پیمان متین. تهران. انتشارات امیر کبیر.
- ترسکینسکی، آناتول. (۱۳۲۶). تاریخچه مختصر راه آهن در ایران. تهران. بنگاه راه آهن دولتی ایران.

ب) مقالات

- دلفانی، محمود. ۱۳۷۸. نقش دولت آلمان در ایجاد صنایع نظامی و تسلیح ارتش در دوره رضا شاه. مجموعه تاریخ «گنجینه اسناد». شماره ۳۵ و ۳۶. صص ۸۲ تا ۹۳.



- دهقان، لقمان، ۱۳۷۰، تجارت خارجی ایران در آستانه جنگ جهانی اول، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، شماره ۲، صص ۸۱-۱۰۰.
- رشیدی، علی. ۱۳۷۰. سیاستهای پولی و ارزی ایران در سالهای قبل از جنگ جهانی دوم. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۵۱ و ۵۲. صص ۸۲ تا ۹۰.
- ز. عبدالله اف، ز، ۱۳۵۶، طبقات بورژوا و کارگر در ایران در اوایل قرن بیستم، مترجم حسین ادیبی، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۷، صص ۳-۳۲.
- ساعی، احمد، ۱۳۸۸، نقد و ارزیابی نظریه نظام جهانی: موافقان و منتقدان، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۸-۳۱.
- شاهدی، مظفر، ۱۳۸۳، نقش بانک استقراضی در جلوگیری از تأسیس بانک ملی و بانک آلمانی در ایران عصر مشروطه، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۳۰، صص ۶۹-۱۰۴.
- مجله کاوه ۱۲۸۹. علوم و صنایع در آلمان (۲). شماره ۳۷. صص ۴ تا ۶.
- میر احمدی، مریم، ۱۳۶۳، نفوذ اقتصادی و سیاسی آلمان در ایران. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، شماره ۲، صص ۱۰-۲۶.
- میر جلیلی، سید حسین. ۱۳۷۲. خریداران نفت ایران (۱۳۶۸-۱۲۸۰). مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۶۹ و ۷۰. صص ۸۸ تا ۹۶.

ج) منابع لاتین و اینترنتی

Minai, Ahmad, (1961), **Economic Development of Iran under Reign of Reza Shah (1926-1941)**, PhD. economics major, Faculty of Graduate School of The American Washington D.C University, (microfilms, Inc. Ann Arbor, Michigan).

www.gagapedia.com